

نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر، سال یازدهم، شماره بیستم، بهار و تابستان ۹۹، صفحات ۵۵-۸۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۱۵

ارث بستگان مادری از دیه

امید توکلی کیا^۱

سید فاضل نوری^۲

چکیده

بر اساس تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش، ورثه مقتول از دیه مقتول نیز ارث می‌برند، اما «بستگان مادری» استثنا شده‌اند. تبصره یادشده راجع به مصداق «بستگان مادری» که محروم از ارث دیه هستند، مطلق بوده، همه بستگان مادری را شامل می‌شود؛ لکن فقیهان درباره آن اختلاف نظر دارند و قول منطبق با مفاد تبصره یادشده یکی از اقوال در مسئله است. سه دیدگاه دیگر از این قرار است: تمام بستگان مادری از دیه ارث می‌برند؛ کلاله امی یعنی برادران و خواهران مادری از دیه ارث نمی‌برند؛ کلاله امی و خواهران پدری از دیه ارث نمی‌برند. دیدگاه عدم ارث‌بری همه بستگان مادری از دیه مقتول مورد توجه مشهور فقیهان و منطبق با اطلاق عبارت تبصره یادشده است که در این تحقیق ادله آن و نیز ادله سه قول دیگر نقل و ارزیابی می‌شود. نوع این پژوهش، کاربردی بوده، روش انجام آن از حیث تعیین مصداق بستگان مادری در فقه و قانون به صورت کتابخانه‌ای و از حیث تعیین آن در رویه قضایی به روش پیمایشی (Survey research method) و با هدف تبیین مصداق بستگان مادری محروم از ارث دیه در دیدگاه فقها و قانون‌گذار است.

واژگان کلیدی: ارث از دیه، بستگان مادری، تبصره ماده ۴۵۲، عدم ارث‌بری، قانون مجازات اسلامی، کلاله امی.

omidtavakolia@gmail.com

210noori@gmail.com

۱. کارشناس ارشد دانشگاه امام صادق (ع)

۲. استادیار مرکز پژوهشی دانشنامه‌های حقوقی علامه (نویسنده مسئول)

مقدمه

در میان فقیهان و دانشمندان حقوق و رویه قضایی راجع به «مصدق بستگان مادری» در نگاهی کلی، دو برداشت مختلف وجود دارد. برخی دامنه‌ای وسیع برای آن قائل شده و تمام خویشاوندان منسوب از طرف مادر را مشمول عنوان «بستگان مادری» که محروم از ارث دیه هستند، می‌دانند، ولی برخی دیگر دایره شمول آن را به کلاله امی، یعنی برادران و خواهران مادری، مضیق و محدود کرده‌اند و همین امر مبین اهمیت این پژوهش است. این اهمیت با بیان یک نمونه قضایی این‌گونه توضیح داده می‌شود: شخصی بر اثر تصادف رانندگی به قتل می‌رسد و ورثه حین الفوت وی، مادربزرگ پدری و مادربزرگ مادری او هستند. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا سهمی از دیه به‌عنوان ارث به مادربزرگ مادری تعلق می‌گیرد یا خیر؟ در اینجا اگر قائل باشیم که عنوان «بستگان مادری» شامل تمام خویشاوندان مادری است، سهمی از دیه به مادربزرگ مادری نمی‌رسد، ولی اگر معتقد باشیم عنوان «بستگان مادری» تنها شامل برادران و خواهران مادری (کلاله امی) است، مادربزرگ مادری بر طبق اصل و قاعده ارث می‌برد، زیرا مشمول استثنای یادشده در تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ش نخواهد بود.

قانون‌گذار در تبصره یادشده به صورت مطلق مقرر داشته است که ورثه مقتول به نسبت سهم‌الارث از دیه مقتول نیز ارث می‌برند و تنها مورد استثنا از عدم ارث‌بری از دیه مقتول، «بستگان مادری» هستند. این عبارت مطلق است، لذا شامل همه بستگان مادری می‌شود، اما در فقه دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص وجود دارد.

راجع به پیشینه موضوع مورد پژوهش گفتنی است که اولاً در فقه امامیه موضوع وارثان و ارث‌بری به‌طور مبسوط در کتاب ارث و به مناسبت در کتاب‌های دیه و قصاص مورد بحث قرار گرفته است، اما مصادیق بستگان مادری مورد اتفاق نیست. در حوزه حقوق نیز موضوع مورد پژوهش با توجه به بدیع بودن و نداشتن پیشینه در قوانین گذشته، جدید بوده، فاقد پیشینه پژوهشی است. تنها تحقیقی که در این زمینه به‌دست آمده، مقاله‌ای است با عنوان «ارث دیه» نوشته محسن ایزانلو و عباس میرشکاری که به قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ش مربوط است و اساساً موضوع آن اعم از این پژوهش است و دیگری پاسخ استعلام صورت‌گرفته از مرکز تحقیقات قوه قضائیه در خصوص «مراد از

بستگان مادری در تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی» است که در آن به برخی اقوال موجود در این مسئله اشاره شده است.

هدف پژوهش حاضر این است که با بررسی موازین فقهی، مفهوم و مصادیق بستگان مادری تبیین شود تا از این راه استنباط صحیحی از قانون به عمل آید و رویه قضایی واحد شکل بگیرد.

سؤالات پژوهش: مفهوم بستگان مادری چیست؟ آیا بستگان مادری شامل تمام خویشاوندان مادری می‌شود یا تنها شامل کلاله امی است؟ آیا اطلاق عبارت «بستگان مادری» در تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی را می‌توان با روایاتی که در این باب وارد شده و تنها کلاله امی را محروم از ارث‌بری دیه دانسته است، مقید نمود؟

بررسی فقهی و حقوقی

به‌منظور پاسخ به پرسش‌های یادشده در مقدمه، مطالب لازم در دو مبحث بررسی فقهی و بررسی حقوقی ارائه می‌شود:

۱. بررسی فقهی

در این مبحث به بیان تعریف و دیدگاه‌های فقیهان امامیه و ادله و مستندات هر یک از آنها خواهیم پرداخت.

۱.۱. تعریف بستگان مادری

در خصوص بستگان و خویشاوندان مادری یا به تعبیر فقهی آن «المتقرب بالأم» دو گونه تعریف بیان شده است: تعریف مفهومی و تعریف مصداقی.

برخی در تعریف مفهوم بستگان مادری بیان داشته‌اند: «المراد من المتقرب بالأم هو المنتسب الی المیت المقتول بالأم مثل الإخوه للأم؛ مراد از بستگان مادری هر کسی است که از طریق مادر به مقتول منتسب باشد»^۱. برخی دیگر گفته‌اند: «والمراد بالمتقرب بالأم المتقرب بها فی المرتبه الأولى فلا یدخل فی ذلك، المتقرب بالأم من طرق الأب؛ منظور از بستگان مادری کسانی هستند که در درجه اول قرار دارند بنابراین خویشاوندان مادری از طرف پدر را شامل نمی‌شود»^۲.

۱. قدرت‌الله، وجدانی فخر، الجواهر الفخریه، ج ۱۵، (قم: انتشارات سماء قلم، چ ۲، ۱۴۲۶ ق)، ص ۳۴.
 ۲. کاشف الغطاء، انوار الفقاهه - کتاب المیراث، (نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء، چ ۱، ۱۴۲۲ ق)، ص ۱۳.

بیشتر فقیهان در تبیین مفهوم بستگان مادری به بیان مصادیق پرداخته‌اند؛ از جمله اینکه گفته‌اند: «ان المراد بالمتقرب بالأُم، مطلق الخوُوله و الخالات؛ منظور از بستگان مادری، مطلق دایی‌ها و خاله‌ها هستند»^۱. برخی دیگر بیان داشته‌اند: «المتقرب بالأُم هم أعمام المیت لأُمه بمعنی أنهم أخوه أیبه من أمه؛ بستگان مادری شامل عموهای مادری یعنی برادران پدری از طرف مادر متوفی است»^۲. عده‌ای دیگر آورده‌اند: «و المراد من المتقرب بالأُم، الخوُوله؛ مراد از بستگان مادری دایی‌ها هستند»^۳. برخی به‌طور کلی بستگان مادری را شامل تمام خویشاوندان مادری دانسته^۴ و برخی دیگر با این بیان که بستگان مادری شامل پدربزرگ، مادر بزرگ، عمو، عمه، دایی و خاله می‌شوند^۵، همان مفهوم را توضیح داده‌اند. برخی از قول مشهور فقها نقل کرده‌اند که بستگان مادری علاوه بر برادر و خواهر مادری^۶ شامل دیگر بستگان نیز می‌شود^۷.

۲.۱. دیدگاه‌های فقیهان امامیه

در خصوص ارث بستگان مادری از دیه مقتول، میان فقیهان امامیه چهار دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول، ارث‌بری تمام بستگان مادری؛ دیدگاه دوم، عدم ارث‌بری آنان؛ دیدگاه سوم، عدم ارث‌بری کلاله امی یعنی برادران و خواهران مادری؛ و دیدگاه چهارم، عدم ارث‌بری کلاله امی و خواهران پدری^۸.

۱. عبدالعزیز، طرابلسی (ابن‌براج)، المهدب، ج ۲، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۰۶ ق)، ص ۱۴۹.
۲. صادق، حسینی روحانی، فقه الصادق، ج ۲، (قم: بی تا)، ص ۶۸۹.
۳. جعفر، سبحانی، نظام الارث فی الشریعه الاسلامیه الغراء، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۱، ۱۴۱۵ ق)، ص ۲۸۴.
۴. محمدبن مکی، عاملی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ج ۲، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۷ ق)، ص ۳۴۸.
۵. زین‌الدین بن علی، عاملی، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۴، (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۵، ۱۴۲۹ ق)، ص ۲۲۹.
۶. ابو حبیب، سعدی، القاموس الفقهی لغه و اصطلاحا، (دمشق: دارالفکر، ج ۲، ۱۴۰۸ ق)، ص ۳۲۴.
۷. علی، علی‌باری غروی، ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض، (قم: بنیاد فرهنگ اسلامی، ج ۲، ۱۴۲۱ ق)، ص ۳۲۵.
۸. ملامحسن فیض کاشانی تحت عنوان قول قیل دیدگاهی خاص را مطرح کرده است و آن اینکه تنها بستگان پدری از ارث دیه محروم هستند و این قول شاذ است (محسن، فیض کاشانی، مفاتیح‌الشرائع، ج ۳، (قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ج ۱، بی تا)، ص ۳۱۷؛ سید جواد، حسینی عاملی، مفتاح‌الکرامه فی شرح قواعد‌العلامه، ج ۸، (بیروت - لبنان: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱، بی تا)، ص ۵۰. برخی از نویسندگان اقوال موجود در مسئله را تا هفت قول بیان کرده‌اند (قاسم، اسلامی‌نیا و داود، سیفی، «واکاوی ادله فقهی در زمینه محرومیت بستگان مادری از ارث دیه»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۶، ش ۲ (۱۳۹۹)، ص ۱۹۵.

۱.۲.۱. دیدگاه اول، ارث‌بری تمام بستگان مادری

برخی معتقدند بین دیه با سایر اموال میت هیچ تفاوتی وجود ندارد^۱ و همه وارثان، اعم از سببی و نسبی حتی بستگان مادری چه کلاله امی و چه غیر آنان از دیه ارث می‌برند.

شیخ طوسی^۲، علامه طبرسی، ابن حمزه و ابن‌ادریس از جمله قائلان این دیدگاه هستند.^۳ شیخ طوسی در کتاب خلاف^۴ و شیخ طبرسی در کتاب مؤتلف^۵ در عبارتی مشترک فرموده‌اند: «یرث الدیه جمیع الورثه، سواء كانوا مناسبین او غیرمناسبین، من الزوج و الزوجه؛ تمام ورثه دیه را به ارث می‌برند، خواه از بستگان نسبی باشند و خواه سببی مثل زوج و زوجه». شیخ طوسی علاوه بر کتاب خلاف در کتاب الجراح مبسوط نیز همین نظریه را بیان کرده است.^۶ ابن‌حمزه در کتاب الموارث در مبحث ارث قاتل می‌فرماید: «یستحق الدیه خمسہ: الولد و من یتقرّب به و الوالدان و من یتقرّب بهما و الزوج و الزوجه؛ فرزند و متقرین به او، پدر و مادر و خویشاوندان آنان و زوج و زوجه از دیه ارث می‌برند».^۷ بر اساس این نظر، خویشاوندان و بستگان مادری نیز از دیه ارث می‌برند. ابن‌ادریس پس از بیان نظر شیخ طوسی می‌فرماید: «فتوای من همان نظر شیخ طوسی در کتاب مبسوط است چراکه آن موافق با اصول مذهب ما است و ظاهر آیه شریفه «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِی كِتَابِ اللَّهِ»^۸ نیز آن را تقویت می‌نماید بنابراین ما به واسطه چند خبر واحد که نه موجب حصول علم است و نه می‌تواند مبنای عمل قرار گیرد از قرآن بر نمی‌گردیم و از طرف دیگر

۱. محمدبن حسن، طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷، (تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ج ۳، ۱۳۸۷)، ص ۵۴.
 ۲. شایان ذکر است که شیخ طوسی در دو کتاب «خلاف» و «مبسوط» قائل به ارث‌بری تمام بستگان مادری بوده، در کتاب «نهایه» خویش به عدم ارث‌بری بستگان مادری معتقد است.
 ۳. مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه بیان داشته است که این دیدگاه جز شیخ طوسی و علامه طبرسی قائلی ندارد، درحالی که ابن حمزه و ابن‌ادریس نیز قائل به آن هستند (جمال‌الدین، حلی، المهذب البارع فی شرح مختصر النافع، ج ۴، (قم: دفتر انتشارات اسلامی ۱۴۰۷ ق)، ص ۳۵۳؛ محمدبن منصور، حلی (ابن‌ادریس)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۱۰ ق)، ص ۳۲۸.
 ۴. محمدبن حسن، طوسی، الخلاف، ج ۴، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۰۷ ق)، ص ۱۱۴.
 ۵. فضل‌بن حسن، طبرسی، المؤتلف من المختلف بین ائمه السلف، ج ۲، (مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ج ۱، ۱۴۱۰ ق)، ص ۵۳.
 ۶. محمدبن حسن، طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷، ص ۵۴.
 ۷. سید عمیدالدین، عمیدی، کنز الفوائد فی حل مشکلات الفواعد، ج ۳، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۱۶ ق)، ص ۳۵۲؛ جمال‌الدین، حلی، پیشین، ص ۳۵۳.
 ۸. انفال: ۷۵.

اینکه این روایات با دیگر روایات در تعارض است و اجماعی نیز وجود ندارد، در نتیجه تمسک به قرآن واجب است^۱.

در فقه اهل سنت، شافعی، ابوحنیفه و پیروان او معتقدند که تمام ورثه از دیه ارث می‌برند و هرکسی که از ترکه ارث می‌برد، اعم از ذکور و اناث، از دیه نیز ارث خواهد برد؛ خواه ارث‌بری ناشی از رابطه نسبی باشد و خواه سببی مثل زوجیت و ولاء^۲.

۱.۲.۱. ادله و مستندات

مستندات این دیدگاه عبارت است از:

الف) اجماع فرقه^۳؛

ب) موافقت با اصول مذهب^۴؛

ج) اطلاق آیات قرآن کریم از جمله آیه «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»^۵؛ خویشاوندان طبق کتاب خدا، نسبت به یکدیگر [در ارث] اولویت و تقدم دارند (ابن‌ادریس، همان) و نیز آیه «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ»^۶؛ ظاهراً «اهل» در آیه اخیر تمامی ورثه را شامل می‌شود^۷. برخی دیگر بیان داشته‌اند بر اساس آیه «فَقَدْ جَعَلْنَا لُولِيهِ سُلْطَانًا»^۸؛ منظور از ولی مقتول در این آیه که واجد اختیار در مورد سرنوشت قاتل از حیث درخواست قصاص یا اخذ دیه (بعد از توافق با مقتول) است، همه خویشان از جمله خویشان مادری هستند^۹.

۱. محمدبن منصور، حلی (ابن‌ادریس)، پیشین، ص ۳۲۸؛ جمال‌الدین، حلی، پیشین، ص ۳۵۳.

۲. محمدبن حسن، طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۱۷۸.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۱۵.

۴. محمدبن منصور، حلی (ابن‌ادریس)، پیشین، ص ۳۲۸.

۵. انفال: ۷۵.

۶. نساء: ۹۴.

۷. رضا، کاشانی، کتاب القصاص للفقهاء و الخواص، (قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۰ ق)، ص ۱۶۳.

۸. اسراء: ۳۳.

۹. قاسم، اسلامی‌نیا و داود، سیفی، پیشین، ص ۱۹۶.

(د) اطلاق روایات از جمله روایت صحیح حماد بن عیسی^۱ و روایت اسحاق بن عمار^۲ و عبدی^۳؛

(ه) اتفاق نظر فقیهان اهل سنت^۴.

۱.۲.۱. نقد و بررسی.

نخست اینکه با توجه به وجود سه دیدگاه دیگر در این خصوص ادعای اجماع صحیح به نظر نمی‌رسد؛ دوم، پذیرش سایر دیدگاه‌ها نیز مخالفتی با اصول مذهب ندارد؛ سوم، همان‌طور که برخی از فقیهان^۵ فرموده‌اند این دیدگاه [که همه وارثان، اعم از سببی و نسبی حتی بستگان مادری چه کلاله امی، چه غیر آنان از دیه ارث می‌برند] هیچ دلیلی به جز اطلاق ادله ارث ندارد. روشن است که اطلاق وقتی حجت و قابل تمسک است که مقید و مخصصی نداشته باشد. با وجود روایات متعدد راجع به محرومیت کلاله امی از ارث دیه، اطلاقی برای ادله (آیات و روایات) ارث باقی نمی‌ماند تا بخواهد مورد استناد قرار گیرد و به ارث‌بری مطلق ورثه از دیه حکم شود؛ چهارم اینکه به نظر می‌رسد در روایت اسحاق بن عمار تقیید دیه در خصوص قتل عمد با وجود اینکه دیه قتل خطایی مانند آن است قرینه‌ای بر آنست که پیامبر در مقام بیان این است که دیه قتل همانند جنایت بر میت نیست که دیه آن مختص به میت باشد، بلکه به مثابه دیگر اموال وی است که به ارث می‌رسد و اینکه

۱. «إِنَّ عَلِيًّا (ع) لَمَّا هَزَمَ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ أَقْبَلَ النَّاسُ مُنْهَرِزِينَ فَمَرُوا بِامْرَأَةٍ حَامِلٍ عَلَى الطَّرِيقِ فَفَرَعَتْ مِنْهُمْ فَطَرَحَتْ مَا فِي بَطْنِهَا حَتَّى فَاضْطَرَبَ حَتَّى مَاتَ ثُمَّ مَاتَتْ أُمُّهُ مِنْ بَعْدِهِ فَمَرَّ بِهَا عَلِيُّ (ع) وَ أَصْحَابُهُ وَ هِيَ مَطْرُوحَةٌ وَ وَلَدَهَا عَلَى الطَّرِيقِ فَسَأَلَهُمْ عَنْ أَمْرِهَا فَقَالُوا لَهُ إِنَّهَا كَانَتْ حُبْلَى فَفَرَعَتْ حِينَ رَأَتْ الْقِتَالَ وَ الْهَزِيمَةَ قَالَ فَسَأَلَهُمْ أَتَيْتُمَا مَاتَ قَبْلَ صَاحِبِهِ فَقِيلَ إِنَّ ابْنَهَا مَاتَ قَبْلَهَا قَالَ فَدَعَا بِزَوْجِهَا أَبِي الْعَلَاءِ الْمَيْتِ فَوَرَّثَهُ مِنْ ابْنِهِ ثَلَاثِي الدِّيَةِ وَ وَرَّثَ أُمُّهُ ثَلَاثَ الدِّيَةِ ثُمَّ وَرَّثَ الزَّوْجَ مِنْ امْرَأَتِهِ الْمَيْتَةِ نِصْفَ ثَلَاثِ الدِّيَةِ الَّتِي وَرَّثَتْهُ مِنْ ابْنِهَا وَ وَرَّثَ قَرَابَةَ الْمَرْأَةِ الْمَيْتَةِ الْبَاقِيَةَ» (محمد بن حسن، طوسی، پیشین، ص ۱۱۴؛ محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ۱۴۰۷ ق)، ص ۱۳۸.

۲. «إِذَا قَبِلَتْ دِيَةَ الْعَمْدِ فَصَارَتْ مَالاً فَهِيَ مِيرَاثُ كَسَائِرِ الْأَمْوَالِ» (محمد بن حسن، طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ۱۴۰۷ ق)، ص ۳۷۷؛ محمد بن حسن، حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۶، (بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ج ۳، ۱۴۲۹ ق)، ص ۴۱.

۳. «الدیه تقسم علی من أحرز المیراث» (محمد بن حسن، طوسی، پیشین، ص ۹۶۴-۲۴۹؛ محمد بن حسن، حر عاملی، پیشین، ص ۸۱).

۴ محمد بن حسن، طوسی، الخلاف، ج ۴، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۰۷ ق)، صص ۱۱۴-۱۱۵.

۵ جعفر، سبحانی، نظام الارث فی الشریعه الاسلامیه النراء، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۱، ۱۴۱۵ ق)، ص ۷۵.

روایت در صدد بیان کیفیت تقسیم نیست که بتوان به اطلاق کلام تمسک نمود و اینکه روایت حمادبن عیسی ناظر به یک موضوع خارجی است و شاید منظور از خویشاوند زن (قربانۀ المرأة)، پدر و مادرش یا برادران و خواهران پدری و مادری او باشند و با وجود این نمی‌توان به آن استدلال نمود^۱ و عمومیت حدیث عبدی با وجود مخصص شرعی، تخصیص خورده است و نمی‌توان حکم به عمومیت داد^۲؛ پنجم اینکه در فقه اهل سنت در این خصوص سه دیدگاه وجود دارد که دیدگاه اکثریت، ارث بردن تمام ورثه از دیه است، بنابراین اتفاق نظری وجود ندارد^۳.

۱.۲.۲. دیدگاه دوم، عدم ارث‌بری تمام بستگان مادری

برخی فقیهان محرومیت ارث از دیه بستگان مادری را به‌طور مطلق بیان نموده و قید و استثنایی در این ارتباط ذکر نکرده‌اند. اطلاق یادشده به این معناست که همه بستگان مادری از ارث دیه محروم‌اند. این دیدگاه از قدما تا فقیهان معاصر، طرف‌دارانی دارد که در ادامه توضیح داده می‌شود.

(الف) فقیهان متقدم. شیخ طوسی، ابن‌براج، ابن‌زهره، محقق حلی و علامه حلی در زمره فقهایی هستند که به‌طور مطلق بستگان مادری را از ارث دیه محروم می‌دانند.

شیخ طوسی در کتاب النهایه قائل به محرومیت مطلق بستگان مادری از دیه شده، می‌فرماید: «والدیه یستحقها جمیع ورثه المقتول علی سہام اللہ تعالیٰ... و لا یستحقها الإخوہ و الأخوات من قبل الأم و لا أحد من ذوی أرحامها؛ تمام ورثه‌ی مقتول طبق سهمی که خدا تعیین کرده از دیه ارث می‌برند، ولی برادران و خواهران مادری مقتول مستحق دیه نیستند. سایر بستگان مادری مقتول نیز استحقاق ارث از دیه را ندارند»^۴. در این عبارت شیخ طوسی علاوه بر کلاله امی سایر بستگان مادری مقتول را نیز مستحق دیه ندانسته است. ابن‌ادریس حلی به نقل از شیخ طوسی در کتاب النهایه بیان داشته است: «هیچ‌یک از کلاله امی و سایر

۱. همان، صص ۷۵-۷۶.

۲. مهدی، نراقی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱۹، (قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، ج ۱، ۱۴۱۵ ق)، ص ۵۶.

۳. سبحانی، پیشین، صص ۷۳-۷۴.

۴. محمدبن‌حسن، طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، (بیروت: دارالکتب العربی، ج ۲، ۱۴۰۰ ق)، ص ۶۷۳.

کسانی که از طریق مادر به مقتول می‌رسند از دیه ارث نمی‌برند و غیر از آنها سایر بستگان نسبی و سببی از آن ارث می‌برند»^۱.

برخی شاگردان شیخ طوسی از جمله ابن‌براج و ابن‌زهره هم این نظریه را برگزیده‌اند. ابن‌براج گفته است: «وَلَا يَسْتَحِقُّهَا [الديه] أَخٌ وَ لَا أُخْتُ مِنْ جِهَةِ أُمِّهِ وَ لَا أَخَدٌ مِنْ ذَوِي أَرْحَامِهَا؛ برادر و خواهر مادری مستحق دیه نیست و همچنین هیچ‌یک از بستگان مادری مقتول از دیه ارث نمی‌برند»^۲. ابن‌زهره حلبی یکی دیگر از شاگردان طوسی نیز نوشته است: «وَلَا يُورَثُ مِنَ الدِّيَةِ مِنْ كَلَالَةِ الْأُمِّ وَ لَا مَنْ يَتَّقَرُّ بِهَا؛ کلاله‌ی امی و همچنین هیچ‌یک از کسانی که از طریق مادر با مقتول خویشاوندی دارند از دیه ارث نمی‌برند»^۳.

در کتاب شرایع الاسلام^۴ و تحریر الاحکام^۵، در قالب عبارت مشترکی آمده است: «يَرِثُ الدِّيَةَ كُلُّ مَنْسَابٍ وَ مُسَابٍ عَدَا مَنْ يَتَّقَرُّ بِالْأُمِّ فَإِنَّ فِيهِمْ خِلَافًا؛ هر وارث نسبی و سببی از دیه ارث می‌برد به جز بستگان مادری که مورد اختلاف میان فقیهان است». شهید اول نیز قول به ممنوعیت مطلق بستگان مادری از ارث دیه را اقرب به واقع دانسته است^۶. شهید ثانی نیز این دیدگاه را به دلیل صحت برخی روایات و خاص بودن موضوع «اجود» دانسته است^۷.

ظاهر تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش با این نظر که مطلق بستگان مادری را از ارث دیه محروم می‌داند موافقت دارد.

۱. محمدبن منصور، حلی (ابن‌ادریس)، پیشین، ج ۳، ص ۲۷۴.

۲. عبدالعزیز، طرابلسی (ابن‌براج)، جواهر الفقه، ج ۲، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۱۱ ق)، ص ۱۶۸.

۳. حمزه، حلبی (ابن‌زهره)، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۱، ۱۴۱۷ ق)، ص ۳۳۰.

۴. جعفر بن حسن، حلی، شرائع الاسلام، ج ۴، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۰۸ ق)، ص ۸. ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «و لا یرث من یتقرب بالأم» (همان، مختصر النافع فی فقه الامامیه، ج ۲، (قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة، ج ۶، ۱۴۱۸ ق)، ص ۲۶۵.

۵. حسن بن یوسف، حلی، تحریر الاحکام الشرعیة، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۱، ۱۴۲۰ ق)، ص ۶۲. ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «و یرث الدیه کل مناسب و مساب عدا المتقرب بالأم علی رأی» (همان، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۳، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۱۳ ق)، ص ۳۴۶.

۶. محمدبن مکی، عاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، ج ۲، (قم: انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۷ ق)، ص ۳۴۸.

۷. زین‌الدین بن علی، عاملی، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۳، (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ج ۳، ۱۴۲۵ ق)، ص ۴۴. برخی با استناد به این عبارت شهید ثانی: «و لو قیل بقصر الحکم فیها علی موضع النص کان وجهاً» گفته‌اند که شهید ثانی به قول محرومیت خصوص کلاله امی تمایل دارد (مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه، ص ۶) درحالی‌که اولاً ایشان قبل از آن قول به محرومیت مطلق بستگان مادری را «اجود» (پسندیده‌تر) دانسته و ثانیاً این قول را به‌عنوان «قیل» مطرح کرده است.

ب) فقیهان معاصر. علامه بحرالعلوم در خصوص محرومیت کلاله امی از ارث دیه می‌فرماید: آیا محرومیت کلاله از ارث دیه مختص برادران و خواهران مادری است یا شامل تمام بستگان مادری می‌شود؟ دو قول وجود دارد که قول اظهر این است که همه بستگان مادری میت محروم از ارث دیه هستند.^۱ محقق سبزواری گفته است: «يَرِثُ الدِّيَةَ كُلُّ مَنْ يَرِثُ الْمَالَ، إِلَّا الْإِخْوَةَ وَالْأَخَوَاتِ لِلْأُمِّ بَلْ مُطْلَقٌ مَنْ يَتَقَرَّبُ بِهَا عَلَى الْأَقْوَى؛ هرکسی از مال میت ارث می‌برد از دیه او نیز ارث می‌برد، مگر برادران و خواهران مادری، بلکه بنا بر قول قوی تر مطلق کسانی که از طریق مادر به مقتول می‌رسند» و دلیل محرومیت مطلق بستگان مادری به واسطه وجود اولویت قطعی است و ذکر برادران و خواهران مادری در روایات از باب تمثیل بوده است نه تقیید. وی در ادامه می‌فرماید: البته با وجود تردید برخی در وجود اولویت، احتیاط در غیر کلاله امی بهتر است و این احتیاط با تراضی و تصالح حاصل می‌شود.^۲ برخی دیگر از فقها این قول را «اظهر» دانسته‌اند، هرچند که جمود بر موضع نص مقتضی محرومیت خصوص کلاله امی است.^۳

امام خمینی نیز قائل به این دیدگاه است. ایشان در مبحث قتل از موانع کتاب الموارث تحریرالوسيله می‌فرماید: «تنها خویشاوندان و بستگان مادری از دیه ارث نمی‌برند مثل برادر و خواهر مادری، بلکه سایر بستگان مادری همچون خاله‌ها و دایی‌ها و اجداد نیز ارث نمی‌برند، هرچند که احتیاط در غیر از برادر و خواهر مادری تصالح است».^۴ ایشان در جای دیگری بیان می‌دارد: «بنابر قول قوی تر نه تنها برادران و خواهران مادری بلکه هیچ‌یک از بستگان مادری از دیه ارث نمی‌برند هرچند در غیر برادران و خواهران مادری احتیاط نیکو است».^۵ بنابراین ایشان نیز تمام بستگان مادری را محروم از ارث بری از دیه می‌داند؛ هرچند که مصالحه نسبت به سهم‌الارث در غیر از کلاله امی را مطابق با احتیاط دانسته است.

آیت‌الله میرزا جواد تبریزی می‌فرماید: «دیه جزء ماترک مقتول است و مابین وراثت به حسب قانون ارث تقسیم می‌شود، ولی از آن، خویشاوندان مادری چه برادران و چه خواهران

۱. محمد، بحرالعلوم، *بلغه الفقیه*، ج ۴، (تهران: منشورات مکتبه الصادق، ج ۴، ۱۴۰۳ ق)، ص ۲۵۹.

۲. سید عبدالاعلی، سبزواری، *مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، ج ۲۸، (قم: مؤسسه المنار، ج ۴، ۱۴۲۱ ق)، ص ۲۸۴.

۳. سید صادق، حسینی روحانی، *پیشین*، ج ۲۴، ص ۴۳۸.

۴. سید روح‌الله، موسوی خمینی، *تحریرالوسيله*، ج ۲، (قم: النشر الاسلامی، ج ۹، ۱۴۲۴ ق)، ص ۳۳۱.

۵. همان، ص ۵۳۴.

و اولاد ایشان و اجداد مادری و دایی‌ها ارث نمی‌برند والله العالم^۱. ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «هرچند که در روایات تنها برادران و خواهران مادری ذکر شده است اما سایر بستگان و خویشاوندان مادری نیز ملحق به آنها هستند چراکه تفاوتی بین آنها وجود ندارد^۲. آیت‌الله مکارم شیرازی بیان داشته است: «تمام وارثان نسبی و سببی از دیه ارث می‌برند، مگر متقربان به مادر مانند برادر و خواهر مادری»^۳.

۱.۲.۲.۱. ادله و مستندات

مستندات این دیدگاه عبارت است از:

الف) اجماع مرکب (عدم قول به فصل)^۴. برخی فقیهان معتقدند که تمام بستگان مادری از دیه ارث می‌برند و برخی دیگر قائل هستند که هیچ‌یک از بستگان مادری از دیه ارث نمی‌برند. بنابراین اینکه بگوییم همه بستگان مادری به غیر از کلاله امی ارث می‌برند، قول به فصل است^۵.

ب) مفهوم اولویت. با توجه به اینکه برادران مادری که نزدیک‌تر از دایی‌های مادری به متوفی هستند از ارث بردن از دیه محروماند، به طریق اولی دیگران محروم از ارث خواهند بود و محرومیت آنان مستلزم محرومیت دیگران است^۶.

۱. جواد تبریزی، *استفتانات جدید*، ج ۱، (قم: انتشارات تبریزی، چ ۱، بی تا)، ص ۴۱۱.

۲. همان، *تفصیح مبانی الاحکام - کتاب القصاص*، (قم: دارالصدیقه الشهبده (س)، چ ۲، ۱۴۲۶ ق)، ص ۲۴۵.

۳. ناصر، مکارم شیرازی، *استفتانات جدید*، ج ۱، (قم: مدرسه امام علی(ع)، چ ۲، ۱۴۲۷ ق)، ص ۴۱۰.

۴. اجماع مرکب عبارت است از اتفاق عالمان بر نفی قول سوم، به‌رغم وجود اختلاف بین آن‌ها. اجماع مرکب را به دو صورت می‌توان تصور کرد: صورت اول اینکه نفی قول سوم نزد هر فقیه‌ای به اثبات نظری که پذیرفته است مرتبط باشد؛ به این معنا که فقیه قول سوم در مسئله را زمانی نفی می‌کند که نظری را که پذیرفته است، درست باشد. صورت دوم این است که نفی قول سوم نزد هر فقیه‌ای با رأیی که پذیرفته است، مرتبط نباشد؛ بلکه هر فقیه‌ای حتی اگر قولی را که اختیار کرده است باطل باشد، قول سوم را رد کند. این صورت از اجماع مرکب درحقیقت به اجماع بسیط باز می‌گردد، زیرا همه فقیهان بر نفی قول سوم متفق‌اند و این اجماع مرکب حجت است. برخی معتقدند بین «اجماع مرکب» و «عدم قول به فصل» تفاوت وجود دارد و این تفاوت در این حقیقت [آن] نهفته است که موضوع، در اصطلاح اول، برخلاف اصطلاح دوم جزئی است و دارای افراد متعددی نیست (جعفر، ساعدی، «اجماع در اندیشه شیعی»، فصلنامه فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ش ۴۲ (۱۳۸۳)، صص ۱۸۶-۱۸۷.

۵. محمدعلی، اراکی، *رساله فی الارث*، (قم: مؤسسه در راه حق، چ ۱، ۱۴۱۳ ق)، ص ۱۳۳.

۶. محسن، فیض کاشانی، *مفاتیح‌الشرائع*، ج ۳، (قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چ ۱، بی تا)، ص ۳۱۷؛ زین‌الدین بن علی، عاملی، پیشین، ص ۴۴؛ سید عبدالاعلی، سبزواری، پیشین، ص ۲۸۴.

ج) **الغای خصوصیت**^۱. برخی فقیهان^۲ بیان داشته‌اند که عمده دلیل این دیدگاه الغای خصوصیت از کلالهٔ مادری است؛ یعنی وقتی برادران و خواهران مادری به جهت انتساب از طریق مادر، از ارث‌بری از دیه محروم‌اند، هرکس دیگری نیز که از طریق مادر با مقتول نسبت پیدا می‌کند، از جمله اجداد مادری، محروم از ارث دیه خواهد بود؛ چون دلیل محرومیت، انتساب از طریق مادر است که میان تمام بستگان مشترک است و کلالهٔ امی در این ارتباط خصوصیتی ندارد. با آنکه روایات یادشده تنها به اخوةٔ امی تصریح کرده‌اند، با این حال بیشتر فقیهان آن را به سایر خویشان مادری، از جمله جد و جدّه و احوال تسری داده‌اند و راجع به تسری حکم به جد و جدّه، یک توجیه فقهی خاص نیز ارائه شده است. به موجب توجیه یادشده، در روایات بسیار زیادی جد و جدّه از نظر قواعد حاکم بر ارث، به منزلهٔ خواهر و برادر تلقی شده‌اند و هر حکمی که راجع به خواهر و برادر آمده، به جد و جدّه نیز تسری یافته است.^۳

د) **ظهور عرفی**. از نظر عرف، زمانی که طبقهٔ دوم محروم از ارث باشند، طبقهٔ سوم نیز از ارث محروم خواهند بود و ظهور عرفی یادشده دارای حجیت است.^۴

۱.۲.۲.۲. نقد و بررسی

این دیدگاه [که تمام بستگان مادری از دیه ارث نمی‌برند] از سوی فقیهان مورد مناقشه قرار گرفته است، چراکه اولاً با وجود چهار دیدگاه در این خصوص، اجماعی محقق نخواهد شد. دوم اینکه مفهوم موافقی وجود ندارد و بر فرض وجود، حجیت نخواهد داشت، مگر علم

۱. «الغای خصوصیت» نیز در مواردی استعمال شده است که فقیه از طریق الغا و اسقاط خصوصیتی که در موضوع حکم (اعم از متعلق حکم یا متعلق متعلق حکم یا مکلف) یا خود حکم مدخلیت ندارد، مصداق دیگری از موضوع حکم را یافته و حکم را بر آن بار می‌کند. برای مثال، طبق آیه «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» (نور: ۴)، حدّ قذف‌کننده زنان محصنه بیان شده، ولی حکمی در مورد قذف‌کنندهٔ مردان محصن نیامده است. فقیها با الغای خصوصیت زن بودن فرد قذف‌شده، حکم یادشده را برای قذف‌کنندهٔ مرد محصن نیز ثابت می‌کنند محمد، مومن قمی، *مبانی تحریرالوسیله* - کتاب الحدود، (قم: النشر الاسلامی، ج ۱، بی تا)، ص ۱۴۳. برخی فقیهان فرموده‌اند که الغای خصوصیت در تلقی قدیمی همان مفهوم موافق است و در تلقی متأخرین از سنخ مفاهیم نیست (محمدحسین، بروجردی، *لمحات الاصول*، (قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲، ۱۴۲۱ ق)، ص ۲۷۲.

۲. جعفر، سبحانی، پیشین، ص ۷۶.

۳. قاسم، اسلامی‌نیا و داود، سیفی، پیشین، ص ۲۰۲.

۴. محمدحسن، نجفی، *جواهرالکلام*، ج ۴۲، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۸، ۱۴۰۴ ق)، ص ۲۸۶.

قطعی به وجود علت و وجود آن در فرع وجود داشته باشد و این امر مشخص نیست.^۱ سوم، در همه روایات، کلاله امی از ارث دیه استثنا شده‌اند، لذا اینکه بگوییم دلیل محرومیت از دیه، انتساب از طریق مادر است و خواهر و برادر بودن در این ارتباط نقشی ندارد، اول کلام است. چهارم، اگر محرومیت شامل تمام بستگان مادری بود می‌بایست که در روایات تعبیر «المتقرب بالأم» (متقربین به مادر) بیان می‌شد.^۲ پنجم، به دلیل اینکه محرومیت از ارث، خلاف قاعده توارث است، باید به قدر متیقن اکتفا نمود و قدر متیقن از آن در خصوص کلاله امی است.^۳

۱.۲.۳. دیدگاه سوم، عدم ارث‌بری کلاله امی (برادران و خواهران مادری)

همان‌گونه که برخی فقیهان اشاره کرده‌اند،^۴ مشهور فقیهان از قدما تا متقدمان و معاصران، معتقدند خصوص برادران و خواهران مادری از ارث دیه محروم‌اند و سایر بستگان مادری از جمله اجداد مادری از دیه ارث می‌برند. ابوصلاح حلبی^۵ و قطب‌الدین کیدری^۶ از قدمای اصحاب با اختیار این دیدگاه با اندکی اختلاف در عبارت آورده‌اند: «وَلَا يَرِثُ مِنَ الْدِيَةِ مِنَ الْأُمِّ وَ يَرِثُهَا مَنْ عَدَاهُمْ مِنْ ذَوِي الْأَنْسَابِ وَ الْأَسْبَابِ؛ هیچ‌یک از برادران و خواهران مادری مقتول از دیه ارث نمی‌برند، اما سایر بستگانش اعم از نسبی و سببی از آن ارث می‌برند». فاضل آبی نیز در کتاب کشف‌الرموز گفته است، تمام ورثه از دیه ارث می‌برند غیر از کلاله امی.^۷ علامه حلی در کتاب مختلف با اختیار این دیدگاه نوشته است: «الْدِّيَةُ عِنْدَنَا يَرِثُهَا مَنْ يَرِثُ الْمَالَ وَ التَّرَكَةَ سِوَى كَلَالَةِ الْأُمِّ، فَإِنْ كَلَالَهُ لَا تَرِثُ الدِّيَةَ وَ لَا الْقِصَاصَ وَ لَا الْقَوْدَ، بِغَيْرِ خِلَافٍ؛ در نزد فقیهان شیعه کسی که از مال و ترکه مقتول ارث می‌برد، از دیه او نیز ارث می‌برد، غیر از کلاله مادری، چون کلاله امی از دیه ارث نمی‌برد و حق قصاص و عفو قاتل را نیز ندارد. در این حکم اختلافی وجود ندارد».^۸

۱. احمد، اردبیلی، مجمع‌الفائده و البرهان، ج ۱۱، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۰۳ ق)، ص ۵۱۱.

۲. محمدعلی، اراکی، پیشین، ص ۱۳۳.

۳. همان، ص ۱۳۳؛ حسین، بحرانی، الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرایع، ج ۱۴، (قم: مجمع البحوث العلمیه، ج ۱، بی‌تا)، ص ۴۱۶.

۴. جعفر، سبحانی، پیشین، ص ۷۲.

۵. ابوصلاح، حلبی، الکافی فی الفقه، (اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین (ع)، ج ۱، ۱۴۰۳ ق)، ص ۳۷۶.

۶. قطب‌الدین، کیدری، اصباح‌الشیعه بمصباح‌الشریعه، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۱، ۱۴۱۶ ق)، ص ۳۷۱.

۷. حسن، فاضل آبی، کشف‌الرموز فی شرح مختصر النافع، ج ۲، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳، ۱۴۱۷ ق)، ص ۴۳۰.

۸. حسن‌بن یوسف، حلی، مختلف‌الشیعه فی احکام‌الشریعه، ج ۹، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۳ ق)، ص ۳۰۹.

محقق اردبیلی این نظریه را مطابق با ظاهر روایات دانسته و فرموده است: «مقتضای ظاهر روایات - به جهت اینکه اکثر آنها اختصاص به برادران و خواهران مادری دارند - فقط محرومیت کلاله مادری از ارث است»^۱.

برخی دیگر از فقها پس از بیان اینکه یکی از دلایل قائلان به محرومیت مطلق بستگان مادری قیاس اولویت است، فرموده‌اند: «فَالْأُولَى قَصْرُ الْحُكْمِ عَلَى الْإِخْوَةِ مِنَ الْأُمِّ لِأَنَّ عَلَى خِلَافِ الْأَصْلِ فَيُقْتَصَرُّ بِهٖ عَلَى مُوْرِدِهِ؛ بَهِتْرُ أَنْ اسْتِ كِهْ مَحْرُومِيَّتِ بَسْتِغَانِ مَادِرِي مَنْحَصِرْ بِهٖ كَالَلَةُ امِي گَرْدِدْ، چُونِ مَحْرُومِيَّتِ از ارثِ خِلَافِ اصْلِ اسْتِ، لَذَا بَايْدِ بِهٖ مَوْرِدِ نَصِ كِهْ خِصُوصِ كَالَلَةُ امِي اسْتِ اِكْتِفَا شُود»^۲. برخی دیگر بیان داشته‌اند با توجه به اینکه مخصص شرعی وجود دارد، تمسک به عموم ادله ارث صحیح نیست و این تخصیص فقط شامل برادران و خواهران مادری است؛ بنابراین اکتفا نمودن به موضع نص و قدر متیقن از روایات «اولی و اظهر» است و عدم قول به فصل معلوم نیست و مفهوم اولویت یا مساوات ممنوع است و ادعای اینکه عرف از این احادیث اینگونه برداشت می‌کند که منظور تمام بستگان مادری می‌باشد، ادعای عجیبی است^۳. برخی دیگر فرموده‌اند: «تعمیم حکم محرومیت ارث از دیه به سایر بستگان مادری (غیر از برادران و خواهران) مشکل است چراکه قطع و یقین به مناط حکم وجود ندارد»^۴.

مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز ضمن رد دیدگاه کسانی که خواسته‌اند با قیاس مساوات محرومیت ارث‌بری از دیه را به مطلق بستگان مادری تعمیم دهند، فرموده است: «تنها خویشان مادری از دیه ارث نمی‌برند. محرومیت برادر و خواهر مادری از بستگان مادری مطابق روایت است، ولی محرومیت سایر بستگان مادری از ارث دیه، محل اشکال است. محقق حلی در کتاب شرایع، تمام بستگان مادری را از ارث‌بری از دیه استثنا نموده است. شاید گفته‌اشان مبتنی بر الغای خصوصیت از روایت باشد به این دلیل که سایر بستگان مادری نیز با خواهر و برادر مادری در اینکه همه خویشان مادری هستند مشترک‌اند،

۱. احمد، اردبیلی، پیشین، ص ۵۱۰.

۲. حسین، بحرانی، پیشین.

۳. مهدی، نراقی، پیشین.

۴. احمد، خوانساری، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ۵، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۰۵ ق)، ص ۲۹۶.

لکن پذیرش این استدلال مشکل است، چون احتمال خصوصیت نسبت به کلاله امی وجود دارد، لذا الغای خصوصیت بدون وجه است^۱. البته ایشان در جای دیگری قول به محرومیت مطلق بستگان مادری از ارث دیه را بعید ندانسته است^۲. آیت الله اراکی نیز بیان داشته است: «از دیه مقتول برادران و خواهران مادری ارث نمی‌برند در رابطه با محرومیت آنان از ارث، روایات فراوانی وجود دارد، اما در خصوص سایر بستگان مادری گفته شده که آنان نیز از ارث‌بری از دیه محرومند، لکن از روایات عمومیت برداشت نمی‌شود، چون اگر مراد تمام بستگان مادری بود، باید تعبیر به «المتقرب بالأم» می‌شد نه «الإخوه و الأخوات من الأم»^۳. آیت الله شبیری زنجانی می‌فرماید: «دیه میت به ورثه وی می‌رسد ولی برادر و خواهر مادری از دیه سهمی ندارند»^۴.

۱.۲.۳.۱. ادله و مستندات

دلایل این دیدگاه اجماع و روایات معصومین علیهم‌السلام است.

الف) اجماع. برخی فقیهان^۵ اجماع را نیز به عنوان یکی از ادله محرومیت کلاله امی از ارث دیه بیان نموده‌اند.

ب) تمسک به نص در موضوع خلاف قاعده. بر اساس یک اصل فقهی - حقوقی در مواردی که حکمی برخلاف قاعده باشد، تنها به مورد نص اکتفا می‌شود و از تسری آن به سایر موارد خودداری خواهد شد. محرومیت بعضی از ورثه از دیه، امری خلاف است؛ لذا این استثنا تنها در مورد خواهران و برادران مادری جاری خواهد شد^۶.

ج) روایات. عمده دلیل بر محرومیت خصوص کلاله مادری از ارث‌بری دیه، روایات

۱. محمد، فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه (الطلاق و الموارث)، (قم: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم‌السلام، ج ۱، ۱۴۲۱ ق)، صص ۳۳۸-۳۳۹.

۲. همان، تفصیل الشریعه (القصاص)، (قم: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم‌السلام، ج ۳، ۱۴۲۷ ق)، ص ۲۹۵.

۳. محمدعلی، اراکی، پیشین، ص ۱۱۳.

۴. سید موسی، شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، (قم: انتشارات سلسبیل، ج ۱، ۱۴۳۰ ق)، ص ۶۳۸.

۵. محمدبن منصور، حلی (ابن ادریس)، پیشین، ص ۳۳۶؛ حسن بن یوسف، حلی، پیشین، ص ۳۰۹؛ سید عبدالاعلی، سبزواری، پیشین، ص ۲۸۳؛ سیدعلی، طباطبایی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، ج ۱۴، (قم: مؤسسه آل‌البیت، ج ۱، ۱۴۱۸ ق)، ص ۲۴۹.

۶. قاسم، اسلامی‌نیا و داود، سیفی، پیشین، ص ۲۰۳.

متعددی است که در این زمینه وارد شده است. شیخ حر عاملی تحت عنوان «بَابُ أَنْ الدِّيَّةَ يَرِثُهَا مَنْ يَرِثُ الْمَالَ إِلَّا الْإِخْوَةَ وَالْأَخَوَاتِ مِنَ الْأُمِّ»^۱ چندین روایت را بیان نموده است. انتخاب عنوان یادشده برای آن باب نشان می‌دهد که صاحب وسائل نیز معتقد بوده است خصوص کلاله مادری از ارث دیه محروم‌اند، نه همه بستگان مادری. در ادامه به بیان روایات مورد استناد در این باره می‌پردازیم.^۲

۱- صحیحۀ سلیمان بن خالد

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ إِبْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَضَى عَلِيٌّ (عليه السلام) فِي ذِيهِ الْمَقْتُولِ أَنَّهُ يَرِثُهَا الْوَرَثَةُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سَهْمِهِمْ، إِذَا لَمْ يَكُنْ عَلَى الْمَقْتُولِ دِينَ، إِلَّا الْإِخْوَةَ وَ الْأَخَوَاتِ مِنَ الْأُمِّ فَإِنَّهُمْ لَا يَرِثُونَ مِنْ دِيَّتِهِ شَيْئاً؛ سُلَيْمَانُ بْنُ خَالِدٍ مِي گويد: امام صادق (عليه السلام) فرمود: علی (عليه السلام) راجع به ديه چنين قضاوت كرد، اگر مقتول ديني نداشته باشد، تمام ورثه طبق سهمی که خدا تعيين کرده ارث می‌برند، مگر برادران و خواهران مادری، چون اين‌ها از ديه سهمی ندارند».^۳

برخی این روایت را «صحیحه»^۴ دانسته‌اند. در این روایت حضرت علی (عليه السلام) خصوص کلاله امی را از ارث ديه استثنا نموده است و اشاره‌ای به ساير بستگان مادری

۱. محمدبن حسن، حر عاملی، پیشین، ج ۲۶، ص ۳۵.

۲. برخی از حقوق‌دانان در ذیل ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی، گفته‌اند حکم مستند تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی، مستند به روایت سکونی است که فقها آن را ضعیف دانسته‌اند (عباس، زراعت، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ج ۱، (تهران: ققنوس، ج ۳، ۱۳۹۳)، ص ۵۲۶، درحالی که تنها شیخ حر عاملی در باب دهم از ابواب موانع ارث کتاب وسائل الشیعه، پنج روایت صحیح و معتبر را بیان نموده است.

۳. محمدبن یعقوب، کلینی، پیشین، ص ۱۳۹؛ محمدبن حسن، طوسی، پیشین، ج ۹، ص ۳۷۵؛ محمدبن علی، صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، (قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۳ ق)، ص ۳۱۸؛ محمدبن حسن، حر عاملی، پیشین، ص ۳۵؛ محسن، فیض کاشانی، پیشین، ج ۲۵، ص ۸۶۹.

۴. احمد، اردبیلی، پیشین، ص ۵۰۹؛ حسین، بحرانی، پیشین، ص ۴۱۵؛ محمدباقر، سبزواری، کفایه الاحکام، ج ۲، (اصفهان: انتشارات مهدوی، ج ۱، بی تا)، ص ۸۰۱؛ محمدباقر، مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۲۳، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ۱۴۰۴ ق)، ص ۲۰۶؛ محمدتقی، مجلسی، روضه المتقین، ج ۱۱، (قم: مؤسسه اسلامی کوشانور، ج ۲، ۱۴۰۶ ق)، ص ۳۴۶.

ندارد. عدم استثنای سایر بستگان مادری به این معناست که آنان در ارث از دیه مثل سایر ورثه مقتول می‌باشند و محروم از آن نیستند.

۲- صحیحۀ عبدالله بن سنان

«ابن محبوب عن عبدالله بن سنان قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): قضى أمير المؤمنين (عليه السلام) أن الدية يرثها الورثة إلا الإخوة والأخوات من الأم، فإنهم لا يرثون من دية شياً؛ عبدالله بن سنان می‌گوید: امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) چنین قضاوت کرد که ورثه از دیه ارث می‌برند، مگر برادران و خواهران مادری، چراکه این‌ها از دیه ارث نمی‌برند»^۱.

برخی این روایت را «صحیحه»^۲ دانسته‌اند. بر اساس این روایت، حضرت علی (علیه‌السلام) ابتدا به‌عنوان یک اصل و قاعده کلی فرموده است هر کسی اموال مقتول را به ارث می‌برد، دیه او را نیز به ارث می‌برد، سپس خصوص برادران و خواهران مادری را از این قاعده کلی استثنا کرده که به معنای عدم محرومیت سایر بستگان مادری از ارث دیه است.

۳- صحیحۀ محمد بن قیس

«عن علي بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس عن عاصم بن حميد عن محمد بن قيس عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: الدية يرثها الورثة على فرائض الميراث إلا الإخوة من الأم، فإنهم لا يرثون من الدية شيئاً؛ محمد بن قيس می‌گوید: امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: دیه را ورثه طبق سهمی که از میراث دارند به ارث می‌برند، مگر کلاله مادری که سهمی از دیه ندارند»^۳.

۱. محمدبن یعقوب، کلینی، پیشین، ص ۱۳۹؛ محمدبن حسن، طوسی، پیشین، ص ۳۷۵؛ محمدبن حسن، حر عاملی، پیشین، ص ۳۶؛ محسن، فیض کاشانی، پیشین، ج ۲۵، ص ۸۶۹.

۲. احمد، اردبیلی، پیشین، ص ۵۰۹؛ حسین، بحرانی، پیشین، ص ۴۱۵؛ محمدباقر، سبزواری، پیشین، ص ۸۰۱؛ محمدباقر، مجلسی، پیشین، ص ۲۰۶؛ محمدتقی، مجلسی، پیشین، ص ۳۴۷.

۳. محمدبن یعقوب، کلینی، پیشین، ص ۱۳۹؛ محمدبن حسن، طوسی، پیشین، ص ۳۷۵؛ محمدبن حسن، حر عاملی، پیشین، ص ۳۷؛ محسن، فیض کاشانی، پیشین، ج ۲۵، ص ۸۷۰.

برخی این روایت را «صحیحه»^۱ دانسته‌اند. در این روایت امام باقر (علیه‌السلام) فرموده: دیه مثل سایر اموال مقتول متعلق به ورثه است و همه از آن ارث می‌برند. حضرت فقط کلاله مادری را از این قاعده استثنا نموده است.

۴- روایت عبیدالله بن زراره

عَنْ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ وَ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُيَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لَا يَرِثُ الْإِخْوَةَ مِنَ الْأُمِّ مِنَ الدِّيَةِ شَيْئاً؛ عبیدالله بن زراره از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند که ایشان فرمود: کلاله امی از دیه اصلاً ارث نمی‌برند»^۲.

برخی این روایت را «موثقه»^۳ دانسته‌اند و برخی «معتبره»^۴ و برخی دیگر از آن به «ضعیفه»^۵ تعبیر کرده‌اند. برخی در این خصوص بیان داشته‌اند که ضعف سندی آن به واسطه فتوای اکثر فقها قابل جبران است.^۶

۵- روایت ابی العباس

«عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْخُصَيْنِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ هَلْ لِلْإِخْوَةِ مِنَ الْأُمِّ مِنَ الدِّيَةِ شَيْءٌ قَالَ: لَا؛ ابی‌العباس می‌گوید از امام صادق (علیه‌السلام) در مورد اینکه آیا برادران مادری چیزی از دیه ارث می‌برند سؤال کردم. ایشان فرمودند: ارث نمی‌برند»^۷.

۱. احمد، اردبیلی، پیشین، ص ۵۰۹؛ حسین، بحرانی، پیشین، ص ۴۱۵؛ محمدباقر، سبزواری، پیشین، ص ۸۰۱؛ محمدتقی، مجلسی، پیشین، ص ۳۴۷.

۲. محمدبن یعقوب، کلینی، پیشین، ص ۱۳۹؛ محمدبن حسن، طوسی، پیشین، ص ۳۷۶؛ محمدبن حسن، حر عاملی، پیشین، ص ۳۷؛ محسن، فیض کاشانی، پیشین، ج ۲۵، ص ۸۷۰.

۳. حسین، بحرانی، پیشین، ص ۴۱۵؛ محمدباقر، سبزواری، پیشین، ص ۸۰۱؛ محمدباقر، مجلسی، پیشین، ص ۲۰۷؛ محمدتقی، مجلسی، پیشین، ص ۳۴۷.

۴. جواد، تبریزی، پیشین، ص ۲۴۵.

۵. احمد، اردبیلی، پیشین، ص ۵۱۰.

۶. محمد، بحرالعلوم، پیشین، ص ۲۵۸.

۷. محمدبن حسن، حر عاملی، پیشین، ص ۳۷.

مشابه این روایت از طریق بقباق نیز نقل شده است (محمدبن یعقوب، کلینی، پیشین، ص ۱۴۰؛ محمدبن حسن، طوسی، پیشین، ج ۹، ص ۳۷۵).

برخی از این روایت به «ضعیفه»^۱ تعبیر نموده و برخی ضعیف بودن آن را به مشهور نسبت داده^۲ و برخی دیگر گفته‌اند که ضعف سندی آن به واسطه فتوای اکثر فقها قابل جبران است.^۳ برخی دیگر آن را حدیثی «قوی» و در حکم صحیح دانسته‌اند.^۴

۶- روایت سکونی

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنِ النُّوفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنِ جَعْفَرٍ، عَنِ أَبِيهِ: أَنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَانَ لَا يُورِثُ الْمَرْأَةَ مِنْ دِيَةِ زَوْجِهَا شَيْئًا وَلَا يُورِثُ الرَّجُلَ مِنْ دِيَةِ امْرَأَتِهِ شَيْئًا، وَلَا لِإِخْوَةِ مِنَ الْأُمِّ مِنَ الدِّيَةِ شَيْئًا؛ سَكُونِيٌّ بِه نَقْلٌ مِنْ إِمَامِ صَادِقٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِثْلَ مَا عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَرَمَدَ: زَيْنُ الدِّيَةِ هَمْسَرُشُ وَ مَرْدٌ نِيزُ مِنْ دِيَةِ هَمْسَرُشِ هِيَجُ ارْثِي نَمِي بَرْدُ وَ بَرَادِرَانِ مَادِرِي سَهْمُ وَ نَصِيبِي مِنْ دِيَةِ نَادِرِنْدُ.»^۵

برخی در خصوص این روایت فرموده‌اند که سند آن قاصر است و در عمل بین فقها مهجور است.^۶ برخی دیگر گفته‌اند که این روایت با وجود نوفلی و سکونی ضعیف است و اینکه کسی به آن عمل نکرده و احتمال دارد که حمل بر تقیه باشد با توجه به اینکه با روایات قوی در تعارض است.^۷

۷- روایت منقول از امام رضا (علیه السلام)

در باب الفرائض و الموارث کتاب فقه‌الرضا منسوب به امام رضا (علیه السلام) آمده است: «وَ عَلِمَ أَنَّ الدِّيَةَ يَرِثُهَا الْوَرِثَةُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ، مَا خَلَا إِخْوَهُ وَ الْأَخَوَاتُ مِنَ الْأُمِّ، فَإِنَّهُمْ لَا يَرِثُونَ مِنَ الدِّيَةِ شَيْئًا؛ بَدَانُ كِه وَرْثِه دِيِه رَا طَبِقِ كِتَابِ خَدَاوَنْدِ ارْثِ مِي بَرِنْدِ بِه جَزِ بَرَادِرَانِ وَ خَوَاهِرَانِ مَادِرِي چَرَا كِه اِيْنِ هَا اَز دِيِه ارْثِ نَمِي بَرِنْدُ.»^۸

۱. احمد، اردبیلی، پیشین، ص ۵۰۹؛ محمدباقر، سزواری، پیشین، ص ۸۰۱؛ محمد، بحرالعلوم، پیشین، ص ۲۵۸.

۲. محمدباقر، مجلسی، پیشین، ص ۲۰۷.

۳. محمد، بحرالعلوم، پیشین، ص ۲۵۸.

۴. محمدتقی، مجلسی، پیشین، ص ۳۴۷.

۵. محمدبن حسن، طوسی، پیشین، ص ۳۸۰؛ محمدبن حسن، حر عاملی، پیشین، ص ۳۹؛ محسن، فیض کاشانی، پیشین، ج ۲۵، ص ۸۷۱.

۶. سید عبدالاعلی، سزواری، پیشین، ص ۲۸۳.

۷. مهدی، نراقی، پیشین، ص ۵۶.

۸. منسوب به امام رضا، فقه‌الرضا، (مشهد: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ج ۱، ۱۴۰۶ ق)، ص ۲۹۰؛ حسین، نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۷، (بیروت: مؤسسه آل‌البیت، ج ۱، ۱۴۰۸ ق)، ص ۱۴۷.

۱.۲.۳.۲. نقد و بررسی

اول اینکه اگرچه فقیهان اجماع را به‌عنوان دلیل این قول مطرح کرده‌اند، لکن با وجود دیدگاه‌های مختلف در مسئله، ادعای اجماع خلاف واقع است و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک دلیل پذیرفت.

دوم، هرچند در تمام روایات خصوص کلاله امی به‌عنوان استثنا ذکر شده است، ولی این امر خصوصیت و ویژگی ندارد و با استفاده از الغای خصوصیت می‌توان گفت که این استثنا شامل همه بستگان منسوب به مادر می‌شود. همان‌طور که در تمام روایات سبعة یادشده عبارت «من الأم» ذکر شده که بیانگر این است که ملاک و ضابطه، انتساب و خویشاوندی از سوی مادر است.

سوم، ذکر عبارت برادران و خواهران مادری در برخی روایات از باب تمثیل بوده و نه تقیید و اینکه گفته شود که ذکر این اشخاص موضوعیت داشته است نیاز به دلیل دارد و مؤید این مطلب این است که در سه روایت از روایات یادشده از تعبیر «الاخوه و الاخوات» و در چهار روایت دیگر از عبارت «الاخوه» به‌تنهایی استفاده شده است و حال آنکه قائلان این دیدگاه معتقدند که استثنای عدم ارث‌بری شامل کلاله امی که شامل برادران و خواهران مادری است می‌شود؛ هرچند که ممکن است این امر بر اساس قاعده جمع بین روایات باشد.

چهارم، ممکن است که منظور از اخوه در برخی روایات معنای عرفی آن باشد که عبارت است از هم‌فامیلی و خویشاوندی؛ هرچند که اصل کلاماً «اخ» که جمع آن «اخوه» است به معنای کسی است که با دیگری در پدر و مادر یا یکی از آن دو شریک است.^۱ بر این اساس با توجه به عبارت «من الأم» در روایات استظهار می‌گردد که همه خویشاوندان و بستگان منسوب به مادر از ارث دیه محروم هستند.

۱.۲.۴. دیدگاه چهارم، عدم ارث‌بری کلاله امی و خواهران پدری

برخی گفته‌اند علاوه بر اینکه برادران و خواهران مادری از ارث دیه محروم‌اند، خواهران پدری نیز از آن محروم خواهند بود. این نظریه را شیخ طوسی و قاضی ابن‌براج مطرح

۱. سید علی‌اکبر، قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۶۱)، ص ۳۶.

کرده‌اند.^۱ شیخ طوسی در بخش جنایات کتاب خلاف آورده است: «الدَّيَّةُ يَرِثُهَا الْأَوْلَادُ، ذُكُوراً كَانُوا أَوْ إِنَاثاً، لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ وَ كَذَلِكَ الْوَالِدَانِ وَ لِأَيِّرِثُ الْإِخْوَةَ وَ الْأَخَوَاتُ مِنْ قَبْلِ الْأُمِّ مِنْهَا شَيْئاً وَ لَا الْأَخَوَاتُ مِنْ قَبْلِ الْأَبِّ؛ اولاد چه دختر باشند و چه پسر از دیه ارث می‌برند. پدر و مادر نیز از دیه ارث می‌برند، ولی برادران و خواهران مادری و همچنین خواهران پدری از دیه ارث نمی‌برند».^۲ همان‌گونه که از عبارت متن استنباط می‌شود، شیخ طوسی خواهران پدری را ملحق به کلاله امی نموده، آنان را نیز محروم از ارث می‌داند.^۳ شیخ طوسی در «رساله الایجاز فی الفرائض و الموارث» با عبارت دیگری بیان کرده است: «يَرِثُ الدَّيَّةَ جَمِيعٌ مَنْ يَرِثُ الْمَالَ إِلَّا الْإِخْوَةَ وَ الْأَخَوَاتُ مِنَ الْأُمِّ أَوْ مَنْ يَتَقَرَّبُ بِالْأُمِّ... وَ لَا يَرِثُ مِنَ الدَّيَّةِ مَنْ يَتَقَرَّبُ مِنْ قَبْلِ الْأَبِّ إِلَّا الذُّكُورُ مِنْهُمْ ذُونَ الْإِنَاثِ؛ تمامی کسانی که از مال ارث می‌برند از دیه نیز ارث می‌برند به غیر از برادران و خواهران مادری و بستگان مادری و همچنین بستگان پدری به جز افراد ذکور از آنان یعنی فقط اناث».^۴

قاضی ابن‌براج نیز از دیگر کسانی است که قائل به این نظر است. وی می‌فرماید: «کسانی که دیه مقتول را به ارث می‌برند همان اشخاصی هستند که از ترکه ارث می‌برند جز برادران و خواهران مادری و بستگان مادر و همچنین اناث از بستگان پدری که ارث نمی‌برند».^۵

۱. ۲. ۴. ۱. ادله و مستندات

دلیل این قول، روایت ابی‌العباس است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِي عَنِ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ:

۱. در مقاله مراد از بستگان مادری مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه بیان شده است که این نظریه به جز شیخ طوسی در بخش جنایات کتاب خلاف قائل دیگری ندارد، درحالی که شیخ طوسی مشابه این نظر را در «رساله الایجاز فی الفرائض و الموارث» بیان کرده و قاضی ابن‌براج در کتاب المهدب نیز قائل به آن است. محمدبن حسن، طوسی، الرسائل العشر، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۴ ق)، ص ۲۷۷؛ عبدالعزیز، طرابلسی (ابن‌براج)، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲. محمدبن حسن، طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۱۷۸؛ سید عمیدالدین، عمیدی، پیشین، ص ۳۵۲.

۳. سید جواد، حسینی عاملی، پیشین، ص ۵۰.

۴. محمدبن حسن، طوسی، پیشین، ص ۲۷۷.

۵. عبدالعزیز، طرابلسی (ابن‌براج)، پیشین، ص ۱۶۳.

لَيْسَ لِلنِّسَاءِ عَفْوٌ وَلَا قَوْدٌ؛^۱ زن‌ها حق عفو و قصاص را ندارند. فیض کاشانی این روایت را با سند دیگری و اندک اختلاف عبارتی این‌گونه نقل نموده است: «التَّيْمَلِي عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ ذَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنِ الْبَقْبَاقِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قُلْتُ هَلْ لِلنِّسَاءِ قَوْدٌ أَوْ عَفْوٌ قَالَ لَا وَ ذَلِكَ لِلْعَصْبَةِ»^۲. در کتاب جامع احادیث‌الشیعه آمده است: «علی بن الحسن بن فضال عن عباس بن عامر عن داود بن الحصين عن أبي العباس فضل البقباق عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: قلت له هل للنساء قود أو عفو قال لا و ذلك للعصبة. قال: علی بن الحسن هذا خلاف ما عليه أصحابنا»^۳. علامه حلی در مختلف‌الشیعه فرموده است که دلیل شیخ طوسی بر این قول، روایت یادشده است.^۴

۱.۲.۴.۲. نقد و بررسی

برخی فقیهان بیان داشته‌اند که این قول مستند قابل توجهی ندارد^۵، به‌جز روایت بقباق که بر اساس آن، زن‌ها حق عفو و قصاص قاتل را ندارند. این روایت اولاً همان‌گونه که برخی فقیهان بیان داشته‌اند از جهت سند معتبر نیست و مجهول است^۶ و نیز صاحب مفتاح‌الکرامه این روایت را ضعیف دانسته است^۷؛ ثانیاً همان‌گونه که برخی دیگر از فقیهان گفته‌اند بحث عفو و قصاص قاتل به ارث از دیه ارتباطی ندارد، لذا از اینکه زن‌ها حق عفو و قصاص ندارند، نمی‌توان استفاده کرد که پس از ارث دیه نیز محروم‌اند^۸.

۲. بررسی حقوقی

در تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ش آمده است: «ورثه‌ی مقتول به جز بستگان مادری، به نسبت سهم‌الارث از دیه‌ی مقتول نیز ارث می‌برند». این تبصره در

۱. محمدبن یعقوب، کلینی، پیشین، ص ۳۵۷؛ محمدبن حسن، حر عاملی، پیشین، ج ۳۹، ص ۱۱۸.

۲. محسن، فیض کاشانی، پیشین، ج ۱۶، ص ۸۶۸.

۳. محمدحسین، بروجرودی، جامع احادیث‌الشیعه، ج ۳۱، (تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ج ۱، ۱۴۲۹ ق)، ص ۲۵۲.

۴. حسن بن یوسف، حلی، ج ۹، ص ۲۹۷.

۵. جعفر، سبحانی، پیشین، ص ۷۷.

۶. حسن بن یوسف، حلی، ص ۲۹۷؛ محمدباقر، مجلسی، ملاذ الاختیار فی فهم تهذیب الاختیار، ج ۱۶، (قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ج ۱، ۱۴۰۶ ق)، ص ۳۶۱.

۷. زین‌الدین بن علی، عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱۵، (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۵، ۱۴۲۹ ق)، ص ۲۲۸؛ سید جواد، حسینی عاملی، پیشین، ص ۵۰؛ محمدباقر، مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۲۴، ص ۱۷۹.

۸. سید علی، طباطبایی، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۵۰؛ جعفر، سبحانی، پیشین، ص ۷۷.

قوانین مجازات اسلامی سابق پیشینه ندارد و قانون‌گذار برای اولین بار این موضوع را مورد توجه قرار داده است. در میان حقوق‌دانان نیز چند نظر وجود دارد، برخی بیان داشته‌اند در حقوق امروز می‌توان بر این باور بود که تمام وارثان از حق دیه ارث می‌برند، زیرا قانون مدنی زوجین و کلاله امی را از ارث دیه محروم نکرده است. بنابراین عقیده‌ای که کلاله امی را از ارث محروم می‌داند، قابل پذیرش نیست.^۱ برخی دیگر معتقدند تبصره ماده ۴۵۲ قانون یادشده مبنی بر محرومیت بستگان مادری از ارث، نباید به صورت مطلق و در تمامی موارد موجب محرومیت خویشان مادری از ارث شود، بلکه با توجه به اینکه محرومیت از ارث دیه امری خلاف اصل بوده و با عموم و اطلاق ادله شرعی در تعارض است، باید به قدر متیقن اکتفا و تنها به مواردی محدود شود که بستگان ابوینی حاجب آنها باشند، اما در صورتی که وراثت مقتول به بستگان امی محدود باشد و هیچ وارث دیگری غیر از بستگان مادری نباشد، آنها مستحق ارث‌بری از دیه هستند و در این صورت دیه به بیت‌المال یا امام نمی‌رسد. علاوه بر این با توجه به ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی، محرومیت بستگان مادری از دیه به مواردی مربوط است که دیه به‌عنوان واکنش اصلی و نه تبعی معین می‌شود. به‌عبارتی تبصره یادشده به معنای محرومیت بستگان مادری از ارث قصاص و به تبع آن محرومیت آنان از دیه بدل از قصاص نیست.^۲ در رویه محاکم قضایی دادگستری دو دیدگاه وجود دارد: برخی معتقدند که منظور از بستگان مادری، خصوص کلاله امی است، ولی برخی دیگر می‌گویند که تمامی بستگان مادری را شامل می‌شود.^۳ مرکز تحقیقات فقهی - حقوقی قوه قضائیه بیان داشته است که طبق نظر مشهور فقیهان، خصوص برادران و خواهران مادری (کلاله امی) از دیه ارث نمی‌برند. این دیدگاه مطابق با روایاتی است که در این زمینه وارد شده است. چون در تمام روایات، به صورت قاعده کلی بیان شده، همه ورثه طبق سهمی که دارند از دیه ارث می‌برند و فقط کلاله امی از این قاعده استثنا شده‌اند؛ لذا اینکه بگوییم تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی اطلاق دارد و شامل تمام بستگان مادری از جمله اجداد و جدات مادری می‌شود، خلاف نظریه مشهور و تمام روایاتی است که در این زمینه وارد شده است.^۴

۱. محسن، ایزانلو و عباس، میرشکاری، «ارث دیه»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۲ (۱۳۸۹)، ص ۵۷.

۲. قاسم، اسلامی‌نیا و داود، سیفی، پیشین، ص ۲۱۴.

۳. دادنامه شماره ۱۰۰۳۴۵-۱۰۰۲۲۰۹۹۷-۹۳-۲۸ خرداد ۱۳۹۳ شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان صالح‌آباد.

۴. مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه، «مراد از بستگان مادری در تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی»، (۱۳۹۶)، ص ۹.

به نظر نگارندگان، دیدگاهی که قائل به عدم ارث‌بری تمام بستگان مادری است با قانون سازگاری بیشتری دارد و قابل قبول‌تر است، زیرا:

نخست، اینکه عبارت «بستگان مادری» در تبصره یادشده اطلاق دارد و شامل تمام افراد و مصادیق آن می‌شود.

دوم، با توجه به اینکه قانون‌گذار در مقام بیان بوده و فرض بر این است که نسبت به اختلاف نظر فقیهان در این خصوص آگاه بوده است، با وجود این، عبارت را مطلق آورده که حاکی از این است که تمام بستگان منتسب به مادر را مد نظر داشته است و اگر تنها کلاله امی مورد نظر بود، از عبارت «کلاله امی» یا «برادران و خواهران مادری» استفاده می‌کرد.

سوم، بر اساس مبانی یادشده در مبحث محرومیت مطلق بستگان مادری از ارث‌بری دیه در بخش بررسی فقهی، معلوم شد که این تبصره بر اساس نظر مشهور فقیهان تنظیم شده است و برخی از فقیهان همچون آیت‌الله فاضل لنکرانی این قول را که بستگان مادری شامل تمام منتسبان به مادر هستند به مشهور فقها نسبت داده^۱ و این برخلاف دیدگاه مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه است.

چهارم، به نظر می‌رسد اینکه در روایات وارده در این خصوص، برادران و خواهران مادری آمده، از باب تمثیل بوده و نه تقيید و الغای خصوصیت نیز دلیل دیگری بر این مدعا است.

پنجم، همان‌طور که برخی فقیهان بیان داشته‌اند با توجه به روایات، وقتی که برادران و خواهران مادری که نزدیک‌تر به میت هستند از ارث محروم‌اند، به طریق اولی دیگر بستگان مادری نیز محروم از ارث خواهند بود.

ششم، عبارت بستگان مادری تعبیر دیگری از اصطلاح «متقرین به مادر» در قانون مدنی یا تعبیر فقهی «المتقرب بالأم» است. با توجه به ماده ۹۲۷ قانون مدنی^۲ «متقرین به مادر» شامل کلاله امی و اجداد می‌شود. برخی حقوق‌دانان این تعبیر را شامل کلاله امی، جد، جدّه، دایی و خاله مادری دانسته‌اند.^۳

۱. محمد، فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه (القصاص)، ص ۲۹۵.

۲. «متقرین به مادر هم اعم از اجداد یا کلاله فرض خود را از اصل ترکه می‌برند».

۳. محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ارث، ج ۱، (تهران: کتابخانه گنج‌دانش، چ ۵، ۱۳۸۴)، صص ۱۸۵-۱۹۳-۲۰۰.

هفتم، با توجه به لایحه اولیه پیشنهادی قوه قضائیه مربوط به قانون مجازات اسلامی، می‌توان به دیدگاه حاکم بر تدوین‌کنندگان قانون دست یافت که در تبصره ماده ۱-۴۱۲ آن آمده بود: «همه کسانی که از اموال مقتول ارث می‌برند به نسبت سهم‌الارشان از دیه مقتول نیز ارث می‌برند به جز بستگان مادری مقتول که تنها از طرف مادر با مقتول نسبت دارند». عبارت این تبصره به گونه‌ای مؤید دیدگاه برگزیده است که منظور قانون‌گذار همه بستگان منتسب از سوی مادر بوده است و بعدها این تبصره در روند اصلاحات، فقط تغییر عبارتی پیدا می‌کند.

اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۹۸/۶۰۵ مورخ ۲۲ آبان ۱۳۹۸ بیان داشته است: «مقصود مقنن از عبارت «بستگان مادری» مذکور در تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ «خویشاوندان منسوب به مادر هستند» و اطلاق عبارت موصوف، مطلق خویشاوندان مادری اعم از برادر و خواهر و اولاد آنها و اجداد، اعمام و عمات و احوال و خالات مادری را شامل می‌گردد».

نتیجه

بین فقیهان امامیه در خصوص ارث‌بری بستگان مادری از دیه مقتول، چهار دیدگاه وجود دارد: یک دیدگاه عبارت است از ارث‌بری تمام بستگان مادری؛ دیدگاه دوم، عدم ارث‌بری آنان؛ دیدگاه سوم، عدم ارث‌بری کلاله امی، یعنی برادران و خواهران مادری؛ و دیدگاه چهارم، عدم ارث‌بری کلاله امی و نیز خواهران پدری. قانون‌گذار نیز در تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش بیان کرده است: «ورثه مقتول به جز بستگان مادری به نسبت سهم‌الارث از دیه مقتول نیز ارث می‌برند». در رویه قضایی محاکم دادگستری در خصوص تعیین مصادیق عبارت «بستگان مادری» اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که هرچند عبارت مطلق است لیکن با توجه به روایات معصومین علیهم‌السلام، خصوص کلاله امی (برادر و خواهر مادری) مد نظر بوده است، اما دیدگاه دیگر این است که اطلاق عبارت شامل عدم ارث‌بری تمامی خویشاوندان و بستگان مادری می‌شود. دیدگاه اخیر مورد توجه مشهور فقیهان و منطبق با اطلاق عبارت تبصره یادشده است و از طرف دیگر اینکه قانون‌گذار در مقام بیان بوده است و می‌توانست به جای عبارت

«بستگان مادری» از عبارات دیگری همچون «کلاله امی» یا «برادران و خواهران مادری» استفاده کند. در نظریه اداره کل حقوقی قوه قضائیه که بهترین دلیل رویه قضایی حاکم بر محاکم دادگستری است چنین آمده است: مقصود قانون‌گذار از عبارت «بستگان مادری» یادشده در تبصره پیش‌گفته، «خویشاوندان منسوب به مادر هستند» و اطلاق عبارت موصوف، مطلق خویشاوندان مادری اعم از برادر و خواهر و اولاد آنها و اجداد، اعمام و عمات و احوال و خالات مادری را شامل می‌شود. شایسته بود که قانون‌گذار برای جلوگیری از اختلاف نظر در رویه قضایی و در میان دانشمندان حقوق با آوردن عبارتی صریح و روشن مقصود خویش را آن‌هم در مبحث موانع ارث قانون مدنی بیان می‌کرد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتابها

۱. تبریزی، جواد، *استفتائات جدید*، (قم: انتشارات تبریزی، چ ۱، بی تا).
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ارث*، ج ۱، (تهران: کتابخانه گنج‌دانش، چ ۵، ۱۳۸۴).
۳. زراعت، عباس، *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، ج ۱، (تهران: ققنوس، چ ۳، ۱۳۹۳).
۴. شبیری زنجانی، موسی، *رساله توضیح المسائل*، (قم: انتشارات سلسبیل، چ ۱، ۱۴۳۰ ق).
۵. قرشی، سید علی‌اکبر، *قاموس قرآن*، ج ۱، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۳، ۱۳۶۱).
۶. مکارم‌شیرازی، ناصر، *استفتائات جدید*، (قم: مدرسه امام علی (ع)، چ ۲، ۱۴۲۷ ق).

- مقالات

۷. اسلامی‌نیا، قاسم و سیفی، داود، «واکاوی ادله فقهی در زمینه محرومیت بستگان مادری از ارث دیه»، *فصلنامه پژوهش‌های فقهی*، دوره ۱۶، ش ۲ (۱۳۹۹).
۸. ایزانلو، محسن و میرشکاری، عباس، «ارث دیه»، *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۰، ش ۲ (۱۳۸۹).
۹. ساعدی، جعفر، «اجماع در اندیشه شیعی»، *فصلنامه فقه اهل بیت علیهم‌السلام*، ش ۴۲ (۱۳۸۳).
۱۰. مددی، احمد، «جایگاه سنت، اجماع و عقل در معاملات»، *فصلنامه کاوشی نو در فقه*، دوره ۱۷، ش ۶۳ (۱۳۸۹).
۱۱. مرکز تحقیقات فقهی حقوقی *قوه قضائیه*، «مراد از بستگان مادری در تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی» (۱۳۹۶).

ب) عربی

۱۲. اراکی، محمدعلی، *رساله فی الارث*، (قم: مؤسسه در راه حق، چ ۱، ۱۴۱۳ ق).
۱۳. اردبیلی، احمد، *مجمع الفائدة والبرهان*، ج ۱۱، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۳ ق).
۱۴. بحر العلوم، محمد، *بلغه الفقیه*، ج ۴، (تهران: منشورات مکتبه الصادق، چ ۴، ۱۴۰۳ ق).
۱۵. بحرانی، حسین، *الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرایع*، (قم: مجمع البحوث العلمیه، چ ۱، بی تا).

۱۶. بروجردی، محمدحسین، *جامع احادیث الشیعه*، ج ۳۱، (تهران: فرهنگ سبز، چ ۱، ۱۴۲۹ ق).
۱۷. بروجردی، محمدحسین، *لمحات الاصول*، (قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، چ ۲، ۱۴۲۱ ق).
۱۸. تبریزی، جواد، *تنقیح مبانی الاحکام - کتاب القصاص*، (قم: دار الصدیقه الشهیده (س)، چ ۲، ۱۴۲۶ ق).
۱۹. حر عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، (بیروت: مؤسسه آل البيت، چ ۳، ۱۴۲۹ ق).
۲۰. حسینی روحانی، سید صادق، *فقه الصادق*، ج ۲ و ۲۴، (قم، چ ۱، بی تا).
۲۱. حسینی عاملی، سید جواد، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، (بیروت- لبنان: دار الاحیاء التراث العربی، چ ۱، بی تا).
۲۲. حلبی (ابن زهره)، *حمزه، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع*، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چ ۱، ۱۴۱۷ ق).
۲۳. حلبی، ابوصلاح، *الکافی فی الفقه*، (اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع)، چ ۱، ۱۴۰۳ ق).
۲۴. حلبی (ابن ادريس)، محمدبن منصور، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ج ۳، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۰ ق).
۲۵. حلبی، جعفر بن حسن، *سرائع الاسلام*، ج ۴، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۰۸ ق).
۲۶. حلبی، جعفر بن حسن، *مختصر النافع فی فقه الامامیه*، (قم: مؤسسه المطبوعات الدینی، چ ۶، ۱۴۱۸ ق).
۲۷. حلبی، جمال الدین، *المهذب البارع فی شرح مختصر النافع*، ج ۴، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۷ ق).
۲۸. حلبی، حسن بن یوسف، *تحریر الاحکام الشرعیه*، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چ ۱، ۱۴۲۰ ق).
۲۹. حلبی، حسن بن یوسف، *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۳ ق).
۳۰. حلبی، حسن بن یوسف، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، ج ۹، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳ ق).
۳۱. خوانساری، احمد، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، ج ۵، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۰۵ ق).
۳۲. سبحانی، جعفر، *نظام الارث فی الشریعه الاسلامیه الغراء*، چ ۱، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چ ۱، ۱۴۱۵ ق).

۳۳. سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، ج ۲۸، (قم: مؤسسه المنار، چ ۴، ۱۴۲۱ ق).
۳۴. سبزواری، محمدباقر، *کفایه الاحکام*، (اصفهان: انتشارات مهدوی، چ ۱، بی تا).
۳۵. سعدی، ابوحیب، *القاموس الفقهی لغه و اصطلاحا*، (دمشق: دارالفکر، چ ۲، ۱۴۰۸ ق).
۳۶. صدوق، محمدبن علی، *من لایحضره الفقیه*، ج ۴، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳ ق).
۳۷. طباطبایی، سید علی، *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل*، ج ۱۴، (قم: مؤسسه آل البیت، چ ۱، ۱۴۱۸ ق).
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، *الموتلف من المختلف بین ائمه السلف*، (مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، چ ۱، ۱۴۱۰ ق).
۳۹. طرابلسی (ابن براج)، عبدالعزیز، *جوهرالفرقہ*، ج ۲، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۱ ق).
۴۰. طرابلسی (ابن براج)، عبدالعزیز، *المهذب*، ج ۲، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۶ ق).
۴۱. طوسی، محمدبن حسن، *الخلاف*، ج ۵، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۷ ق).
۴۲. *الرسائل العشر*، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۴ ق).
۴۳. طوسی، محمدبن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، ج ۷، (تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، چ ۳، ۱۳۸۷).
۴۴. طوسی، محمدبن حسن، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، (بیروت: دار الكتاب العربی، چ ۲، ۱۴۰۰ ق).
۴۵. طوسی، محمدبن حسن، *تهذیب الاحکام*، ج ۹، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ق).
۴۶. عاملی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه*، ج ۳، (قم: مجمع الفکر الاسلامی، چ ۳، ۱۴۲۵ ق).
۴۷. عاملی، زین الدین بن علی، *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، ج ۴، (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چ ۵، ۱۴۲۹ ق).
۴۸. عاملی، محمدبن مکی، *الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه*، ج ۲، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۷ ق).
۴۹. علی یاری غروی، علی، *ایضاح النوامض فی تقسیم الفرائض*، (قم: بنیاد فرهنگ اسلامی، چ ۲، ۱۴۲۱ ق).
۵۰. عمیدی، سید عمیدالدین، *کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد*، ج ۳، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۶ ق).
۵۱. فاضل آبی، حسن، *کتشف الرموز فی شرح مختصر النافع*، ج ۲، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۳، ۱۴۱۷ ق).

۵۲. فاضل لنکرانی، محمد، *تفصیل الشریعه (الطلاق و الموارث)*، (قم: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۲۱ ق).
۵۳. فاضل لنکرانی، محمد، *تفصیل الشریعه (القصاص)*، (قم: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام، چ ۳، ۱۴۲۷ ق).
۵۴. فیض کاشانی، محسن، *الوافی*، (اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین، چ ۱، ۱۴۰۶ ق).
۵۵. فیض کاشانی، محسن، *مفاتیح الشرائع*، ج ۳، (قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، چ ۱، بی تا).
۵۶. کاشانی، رضا، *کتاب القصاص للفقهاء و الخواص*، (قم: انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۰ ق).
۵۷. کاشف الغطاء، حسن، *انوار الفقاهه - کتاب المیراث*، (نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء، چ ۱، ۱۴۲۲ ق).
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۷، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ق).
۵۹. کیدری، قطب الدین، *اصباح الشیعه بمصباح الشریعه*، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چ ۱، ۱۴۱۶ ق).
۶۰. مجلسی، محمدباقر، *مراه العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، ج ۲۳ و ۲۴، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۲، ۱۴۰۴ ق).
۶۱. مجلسی، محمدباقر، *ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار*، ج ۱۶، (قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، چ ۱، ۱۴۰۶ ق).
۶۲. مجلسی، محمدتقی، *روضه المتقین*، ج ۱۱، (قم: مؤسسه اسلامی کوشانپور، چ ۲، ۱۴۰۶ ق).
۶۳. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، *القصاص علی ضوء القرآن و السنه*، (قم: بی تا).
۶۴. منسوب به امام رضا، *فقه الرضا*، (مشهد: مؤسسه آل البيت (ع)، چ ۱، ۱۴۰۶ ق).
۶۵. موسوی خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیله*، ج ۲، (قم: النشر الاسلامی، چ ۹، ۱۴۲۴ ق).
۶۶. مؤمن قمی، محمد، *مبانی تحریر الوسیله - کتاب الحدود*، (قم: النشر الاسلامی، چ ۱، بی تا).
۶۷. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، ج ۴۲، (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چ ۸، ۱۴۰۴ ق).
۶۸. نراقی، مهدی، *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، ج ۱۹، (قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۱۵ ق).
۶۹. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۷، (بیروت: مؤسسه آل البيت، چ ۱، ۱۴۰۸ ق).
۷۰. وجدانی فخر، قدرت الله، *الجواهر الفخریه*، ج ۱۵، (قم: سماء قلم، چ ۲، ۱۴۲۶ ق).